



عباس سجادی در کنار محمد رضا شیربانی و اصغر فرهنگ

سیاست و فرهنگ، تیغ و ابریشم است

چهره‌ای جهانی است. من بعد از حدود ۱۰ ماه باید این سکوت را بشکنم و بگویم فرزند رسانه هستم. ولی برخی از مدیران رسانه نتوانستند از من درست استفاده کنند. چون به من به‌عنوان یک عنصر سیاسی نگاه می‌کنند نه یک نیروی فرهنگی. در ۲۰ سال اجرای برنامه‌های فرهنگی – هنری در سیما نقش کمی در جذب مخاطب نداشتم. در عصر هجوم ماهواره‌ها و فضاهای مجازی که از مدیریت ما خارج است، برای مخاطب چه جاذبه‌ای ایجاد می‌کنیم تا به تماشای ما بنشینند؟ مخاطب مجبور نیست ما را ببیند. حق انتخاب دارد. مگر توانستیم یا می‌توانیم با تلگرام، فیس‌بوک و اینستاگرام مقابله کنیم یا جلو شبکه‌های ماهواره‌ای را بگیریم؟!

جامعه باید قدر اصلی‌ترین و گران‌بهارترین سرمایه‌های خود یعنی نیروهای متخصص و هنرمندانش را در زمان حیاتشان بداند. آیا هنرمند ما مثل استاد شجریان باید بر بستر بیماری باشد تا تصویرش را نشان دهند؟! یا مثل زنده‌یاد کیارستمی چشم از جهان ببندد تا تصاویر تشییع‌جازه‌اش را نمایش دهند؟ سیاست مبارک سیاست‌بازان! من به‌عنوان مدیر فرهنگی و عنصری فرهنگی باید کار فرهنگی خودم را انجام دهم. به نظر من فرهنگ و هنر می‌تواند بسیاری از اتفاقات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را بیمه کند. من از بعضی از مدیران صداوسیما گله‌مندم؛ به‌عنوان فرزند رسانه، به‌عنوان کسی که به آن عشق می‌ورزد.

۴ مدیران هنری واقعی سعی می‌کنند از میان هنرمندان جذب حداکثری داشته باشند. فکر می‌کنم خیلی از اتفاقاتی که در حوزه موسیقی می‌افتد؛ از جمله لغو کنسرت‌ها و مجوزندادن بر اساس تگرانی‌های مدیران میانی است نه به‌دلیل سیاست‌هایی که ابلاغ می‌شود. این مدیران بیشتر به دلیل تگرانی از اینکه نکند اخطار بگیرند و چیزی را آنها ابلاغ کنند، کاری نمی‌کنند و سیاست‌گذاران وجود دهند به این دلیل که نکند مشکلی ایجاد یا جایگاهشان متزلزل شود...

مشکل اینجااست که ما گاهی اوقات فراموش می‌کنیم در چه جایگاهی هستیم. همین باعث می‌شود خلط میحث شود. به‌عنوان مدیر فرهنگی اعتقادم این است که قانونی‌ترین مرکز تشخیص سره و ناسره در حوزه فرهنگ و هنر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. وقتی از این مرکز مجوزی صادر می‌شود باید برای همه حجت باشد. اگر موسیقی حرام است، چرا سازمان صداوسیما به‌عنوان یکی از سازمان‌های زیرمجموعه رهبری، مرکز موسیقی دارد و حوزه هنری نیز همین‌گونه. اصلا فکر دنیای بدون موسیقی قابل تصور است؟ می‌خواهم عرض کنم من مرجع تشخیص این مسائل نیستم. من که مجتهد این حوزه نیستم بگویم موسیقی حرام است یا حلال. به‌عنوان مدیر فرهنگی کار خودم را طبق قانون و ضوابط انجام می‌دهم. همه ما تابع قانون هستیم و این مرکز امروز یکی از فعال‌ترین مراکز در حوزه موسیقی است.

•

موانعی در موسیقی وجود دارد که برخی از آنها به حوزه مدیریتی برمی‌گردد. گاهی افرادی که پشت این میزها می‌نشینند به اندازه میزشان نیستند و ملاحظاتی دارند مثل املای نانوشته تا غلطی از آن درنیايد؛ کسی باید پشت این میزها بنشیند که قدری جسارت و تدبیر داشته باشد. پای تشخیص و حرفش باشد. معتقدم با گذر زمان حل می‌شود. باید با کسانی که ساز مخالف می‌زنند، حرف بزینم. خیلی از آنها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم برای افراد خانواده‌شان حتی لبت کنسرت‌های پاپ می‌خواهند. اما در رُست و جایگاه می‌شود. باید با کسانی که ساز مخالف می‌زنند، حرف بزینم. خیلی از آنها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم برای افراد خانواده‌شان حتی لبت کنسرت‌های پاپ می‌خواهند. اما در رُست و جایگاه شغلی، موضع‌گیری‌هایشان جور دیگری است. باید سعه‌صدر داشته باشیم. موانعی در موسیقی وجود دارد که برخی از آنها به حوزه مدیریتی برمی‌گردد. گاهی افرادی که پشت این میزها می‌نشینند به اندازه میزشان نیستند و ملاحظاتی دارند مثل املای نانوشته تا غلطی از آن درنیايد؛ کسی باید پشت این میزها بنشیند که قدری جسارت و تدبیر داشته باشد. پای تشخیص و حرفش باشد. معتقدم با گذر زمان حل می‌شود. باید با کسانی که ساز مخالف می‌زنند، حرف بزینم. خیلی از آنها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم برای افراد خانواده‌شان حتی لبت کنسرت‌های پاپ می‌خواهند. اما در رُست و جایگاه شغلی، موضع‌گیری‌هایشان جور دیگری است.

۴ اگر اگری جانب مرادخانی یا جانب جنتی بودید، طبعاً نمی‌توانستید با این قضیه به این شکل برخورد کنید. چراکه بخشی از چیزی که به‌عنوان ناکارآمدی فرهنگی در دولت آقای روحانی از جانب برخی افراد تلقی می‌شود، ناشی از فشارهایی است که این دولت در عرصه سینما یا موسیقی با آن روبه‌روست...

می‌خواهم بگویم اتفاقاً تعریف جدی مدیریت از همین‌جا شروع می‌شود. نمی‌شود همه‌چیز خیلی راحت پیش برود. مدیریت همین اقتضاهای زمانی و مکانی را می‌طلبد. مدیر کسی است که در شرایط سخت بهترین تصمیم را بگیرد و مناسب‌ترین عملکرد را داشته باشد. در شرایط بحرانی، مدیریت خودش را بیشتر نشان می‌دهد. هیچ دولتی بی‌مشکل نبوده و این مشکلات همیشه بوده است. به اعتقاد من، این‌روزها کارکردن به‌ویژه در حوزه فرهنگ و هنر بسیار سخت شده است. خطوط سیاسی پرتنگ‌تر و مطالبات عمومی جامعه بالاتر رفته و ساینه سنگین مشکلات اقتصادی بر کرده فرهنگ و هنر سنگینی می‌کند.

۴ فکر می‌کنید مدیریت فرهنگی ما توانسته پاسخ‌گوی نیازهای روز جامعه باشد؟

از آنجا که سال‌هاست در مدیریت فرهنگی هستم می‌خواهم باز تأکید کنم فشاری که این روزها به حوزه فرهنگ و هنر وارد می‌شود، در هیچ دوره‌ای نبوده. در جواب سؤال قبل هم عرض کردم مطالبات مردمی بسیار بالاست و توقعات امروز هنرمندان را قبل متفاوت‌تر و متنوع‌تر است و فشارها و مرزهای

۴ از طرف مدیریت اینجا با غیر از آن؟
به‌طورکلی از نگاهی که در دوره‌های مختلف وجود داشته است.

۴ در خاطرم‌ان هست چند سال پیش بخشی از اینجا به مرکز تهیه و طبع غذا تبدیل شده بود، با بخش گالری را حذف کرده بودند و محل گالری کاربری دیگری پیدا کرده بود...

بله، این‌گونه بوده است. وقتی من به اینجا آمدم دو کیوسک مستهلک و نازیا دم در بود؛ یکی گیشه فروش بلیت و دیگری انتظامات. از همان بدو ورود برای خودم برنامه‌ریزی کردم. چون این کیوسک‌ها شبایسته این معماری زیبا نبود. به بخش‌های دیگر سازه که رسیدم، شکل‌های مختلفی از تغییر را مرور کردم. از دم در شروع کردم. از شهرداری منطقه هم کمک گرفتم. نیمکت‌ها، نور و فضای سبز را سامان دادم. اتاقک نگهبانی یا مشورت معماران زبده و کسب‌نظر از معمار اصلی ساخته شد. کف حیاط را احیا کردم. آینه‌کاری منحصربه‌فرد اینجا را ترمیم کردم. کتابخانه تخصصی هنر را با تأمین منابع هنری تجهیز کردم. کافه گالری مجموعه را که به تهیه غذا تبدیل شده بود، سامان دادیم و به حالت اولیه برگردانیدم. همه این اقدام‌ها، امروز، رضایت شهروندان و هنرمندان را در پی داشته است.

۴ در رویکرد و عملکرد فرهنگ‌سرا چه تغییراتی رخ داده است؟

وقتی آمدم، در حوزه هنرهای نمایشی نسبتاً فعال بود و سالن اصلی ما گاه در طول یک روز دو برنامه تئاتر داشت، ولی از موسیقی، و همچنین از ادبیات خبر چندانی نبود. فقط دو بخش تجسمی و هنرهای نمایشی فعال بود. باید سمت آفرینش‌های هنری می‌رفتیم. موسیقی، هنرهای تجسمی و معماری را تقویت کردیم. حوزه ادبیات تعطیل بود و فقط شاهنامه‌خوانی‌های معمول برگزار می‌شد. ولی امروز ما یکی از معتبرترین جلسات شعر پایتخت را به‌عنوان «سه‌شنبه‌های شعر نیاوران» داریم. امسال در حال آماده‌شدن برای برگزاری دومین جشنواره شعر نیاوران هستیم که دوره اولش با استقبال کم‌نظیر برگزار شد.

۴ مأموریت بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران چیست؟

فعالیت‌های میدانی که این روزها در فرهنگ‌سرای نیاوران اتفاق می‌افتد، بر عهده بنیاد است و فرهنگ‌سرای نیاوران یکی از مراکز فعال معاونت هنری در حوزه‌های مختلف شده است. برگزاری هفته‌های فرهنگی کشورهای مختلف، هفته‌های بین‌المللی فیلم، کنسرت‌های مطرح موسیقی کشورهای مختلف و نمایشگاه‌های تجسمی، ازجمله آنهاست. به‌تازگی برنامه رومانی از ۳۰ کتاب شعر دوزبانه را که انجمن شاعران ایران تولید کرده، با همکاری مؤسسه فرهنگی اگو برگزار کردیم.

۴ عملکردتان، گویای آن است؛ هرچند ممکن است این رویکرد در کل به نفع شما نباشد. برای مدیران، عمداً نظر مدیران بالادستی بیشتر اهمیت دارد. اما شما به‌گونه‌ای دیگر عمل کرده‌اید. نمونه‌اش حضور استاد شجریان در فرهنگ‌سرا و به پیشواز رفتن شماس‌ت که منجر به ممنوع‌التصویرشدن‌تان در برنامه‌های صداوسیما و توقف پخش تنها برنامه تخصصی موسیقایی شد. با اینکه می‌دانستید آمدن استاد شجریان ممکن است تبعاتی به دنبال داشته باشد، ولی مصلحت‌اندیشی نکردید.

شما خودتان می‌گویید مدیر فرهنگی! شما چطور فکر می‌کنید؟ اگر شما و هر مدیر دیگری بود، چه برخوردی می‌کرد؟ ضمناً این سو-تفاهم پیش نیاید که ما همین‌طور جلو می‌رویم... من اصلاً به این حواشی فکر نمی‌کنم. فکر می‌کنم امروز از چه جایگاهی می‌توانم به فرهنگ و هنر خدمت کنم همان کار را انجام می‌دهم. این جایگاه امکان دارد ریاست یک فرهنگ‌سرا باشد یا مدیرکلی فلان جا یا در جایگاه یک مجری پشت تریبون. خودم را یک سرباز فرهنگی می‌دانم. اینکه اگر احساس کنم جایی نیاز است و در آن جایگاه مفید واقع می‌شوم، حتماً قبول مسئولیت می‌کنم. چراکه در مقابل جامعه مسئول هستم. من هم باید زکات علم و فرهنگی را که سال‌ها اندوخته‌ام پرداخت کنم. به این فکر نمی‌کنم اگر استاد شجریان با آقای اصغر فرهادی، دو هنرمند بی‌نظیر و بی‌بدیل جهانی به فرهنگ‌سرا آمده‌اند به استقبالشان بروم، عده‌ای چطور فکر می‌کنند؟! به‌عنوان مدیر مجموعه وظیفه اخلاقی و مدیریتی من است که در مقابل میهمان، رفتار فرهنگی داشته باشم کم‌اینکه یک روز هم به من خبر دادند آقای احمدی‌نژاد می‌خواهند برای بازدید از نمایشگاهی به فرهنگ‌سرا بیایند و به همین شکل از آقای احمدی‌نژاد استقبال کردم. تگران این نبودم دولت جدید به من بگوید چرا این کار را انجام دادی که هرگز هم نگفتند. رئیس دولت اصلاحات هم چندین بار برای بازدید از نمایشگاه و دیدن نمایش به فرهنگ‌سرا تشریف آوردند و من همین کار را انجام دادم چون این وظیفه مسئولیتی من است. من در این شرایط، در جایگاهی نیستم که درباره شهروندان و اشخاص قضاوت کنم و همه این موارد را زمانی که از سوی بعضی از مسئولان سیما برای ادای توضیحات فراخوانده شده بودم، گفتم و عرض کردم شما اهل رسانه هستید. امروز شانس دیده‌شدن تلویزیون ما یک چنده‌زارم است. با چه جذابیتی می‌خواهیم تلویزیون را بر رخ مردم بکشیم؟ با تعطیل‌کردن یک برنامه تخصصی پرمخاطب؟ شخصیتی مثل استاد شجریان

هنر

گفت‌وگو با بهناز نادری:

سفر به نهایت دور ذهن را درگیر می‌کند

نمایش «سفر به نهایت دور»، به نویسندگی و کارگردانی محمد میرعلی‌اکبری در بخش تازه‌های تئاتر ایران و مسابقه بین‌الملل (تهران) سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، کاندیدای بخش بازیگری زن و پوستر و برنده تندیس بهترین طراحی لباس بوده است. این نمایش مضمونی اجتماعی در قالب فضایی سوررئال- تخیلی دارد. در این نمایش خسرو شهراز، مجید آقاقریمی، آرش فلاحت‌پیشه، محمدرضا مالکی، مسیح کاظمی، مهدی نصرتی، بهناز نادری، کامییز مُصَف، لادن نازی، حمید خوش‌نویس و سحر حق‌شناس به ایفای نقش می‌پردازند. با بهناز نادری، بازیگر نقش ساره، گفت‌وگو کرده‌ایم.

۴ در کجا تئاتر و بازیگری را آموخته‌اید؟ آغاز فعالیت حرفه‌ای شما با چه نمایشی بوده است؟

تئاتر را از سال ۸۳ در دانشکده هنرهای زیبا به‌عنوان دانشجو آغاز کردم و در زمستان سال ۸۹ در مقطع کارشناسی‌ارشد فارغ‌التحصیل شدم. درحال‌حاضر در همان دانشکده به‌عنوان دستیار استاد مشغول به کار هستم و همچنان می‌آموزم. اولین تجربه حرفه‌ای من در نمایش «سیگار خیس»، کاری از امیر پاکزاد بود که به خاطر آن، جایزه بازیگری اول زن جشنواره تجربه- را دریافت کردم و بعد ۱۳۵۷ و تردید نکن هوراشیو که به خاطر آنها هم کاندیدای بازیگری زن جشنواره فجر شدم.

۴ از فعالیتتان در حوزه موسیقی بگویید. از سازهایی که به نواختن آنها آشنایی و تسلط دارید و از کار در حوزه آواز.

من در خانواده‌ای اهل موسیقی رشد یافته‌ام. همه برادرهایم ساز می‌زدند و برادر ارشدم به شکل حرفه‌ای آواز کار می‌کرد و حوالی سال ۱۳۷۰ در اصفهان شاگرد استاد شاهزیدی و علیرضا افتخاری بود. به‌واسطه تمرینات ایشان، من هم دستگاه‌های موسیقی را تا حدودی آموختم و گوش موسیقایی‌ام تربیت شد. از ۱۲سالگی سازهای کوبه‌ای را با دف شروع کردم و بعدها کاهن و کوزه را هم آموختم. برای شناخت تنه‌های موسیقی، ساز سننار را هم تا حدودی تجربه کردم و بعد در پی یک اتفاق، تنبوری هدیه گرفتم و شروع به نواختنش کردم... البته در این سازه‌ها تقریباً مبتدی هستم.

۴ کسی درباره نقش «ساره» برایشان بگوید. در رسیدن به نقش چه مسیری را رفتید و چه کمک‌هایی شما را به جلو برد؟ هدایت بازیگر در این نمایش

چطور به شما کمک کرد؟

نقش ساره نقش ویژه‌ای بود که همان‌جا از جشنواره فجر آقای میرعلی‌اکبری به من پیشنهاد داد اما من درگیر اجراهای نمایش هیپوفیز به کارگردانی کورش نرمانی بودم و فرصت همکاری مهیا نشد. تا اینکه برای اجرای عموم باز هم تماس گرفتم و روز همکاری شروع شد. از آنجایی‌که ریزه حسینی و آرش فلاحت‌پیشه هم در این‌ زمینه به ایشان کمک می‌کنند، برای رسیدن به نقش بعد از دریافت اطلاعات کلی از کارگردان بیشتر با این دو عزیز درگیر بودم به‌خصوص روزه حسینی که خیلی پیشنهادهای خوبی داشت... ضم اینکه باید از پارت‌های عزیزم، جناب شهراز، محمدرضا مالکی، مسیح کاظمی و بقیه عزیزان بابت کمک‌هایشان تشکر کنم.

۴ «سفر به نهایت دور» چه ویژگی موضوعی جذابی برای مخاطب امروز و نیز نسل جوان دارد؟

این متن با پرداختن به موضوعی انسانی و معضلاتی بزرگ که جامعه ما را این روزها خیلی درگیر کرده، آن‌هم به شکل سوررئالیستی و با تلاش برای ساختن فضایی وهم‌آلود و جادویی، به‌شدت ذهن را درگیر می‌کند و امیدوارم در نهایت بتوانیم با عینیت‌بخشیدن درست به این ذهنیت تأثیر لازم را بر مخاطب بگذاریم.

کلاکت

حکایت «فیلم اولی‌ها» در گفت‌وگو با رضا گوران

عاشق تئاتر هستم، دیوانه فیلم‌سازی



بهناز شیربانی

رضا گوران به‌زودی نخستین فیلم بلندش را مقابل دوربین می‌برد. گوران بیشتر با آثاری در تئاتر که بسیاری از آنها مورد تحسین قرار گرفته، شناخته شده است. «یرما»، «شب آوازهایش را می‌خواند» و «آدم است»، برخی از آثاری است که او در تئاتر کارگردانی کرده، هرچند که به قول خودش همیشه جدا از تصویر و فیلم‌سازی هم نبوده و علاقه‌مند است در این مدیوم بیشتر فعالیت کند. با گوران درباره پررنگ‌شدن حضورش در سینما و چگونگی ساخت فیلم اولش گپ‌وگفتی داشتیم.

۴ در تمام این سال‌ها کم نبودند چهره‌هایی که از تئاتر به سینما آمدند و ساخت فیلم بلند را تجربه کردند. با صدور مجوز ساخت فیلم بلندتان، به‌زودی شما را بیشتر در سینما خواهیم دید، چرا سینما برای شما جدی‌تر شد؟

من از ۱۸سالگی دستیار کارگردان بودم و کارهایی از این دست انجام دادم و تغییر رشته دادم و ترجیح دادم تئاتر بخوانم. آن زمان دو آموزشگاه، یکی زیر نظر آقای سمندریان و دیگری زیر نظر آقای تارخ فعالیت می‌کردند و من با انتخاب آموزشگاه سمندریان تئاتر را جدی‌تر ادامه دادم. در تمام این سال‌ها منظر فرصتی برای فیلم‌سازی بودم. چندسال قبل فیلم مستندی درباره یک آیین مذهبی در دماوند ساختم و مدتی قبل فیلم نیمه بلندم «هنوز نه» را ساختم. واقعیت این است که سال‌هاست در تئاتر مشغول هستم و همیشه به سینما علاقه‌مند بوده‌ام. ادعایی در زمینه فیلم‌سازی در سینما ندارم اما می‌دانم دقیقاً به‌دنبال چه هستم. آمدن من به سینما به این معنی نیست که از تئاتر جدا شده‌ام. تئاتر خانه من است.

۴ البته شما از آن دسته کارگردان‌هایی هستید که آثارتان در تئاتر با استقبال خوبی از سمت مردم و منتقدان روبه‌رو شده است و با توجه به تفاوت این دو مدیوم، شاید تا حدودی همین موفقیت در سینما قابل حدس نباشد.

البته که این دو مدیوم تفاوت‌هایی با هم دارند. البته برخی این انتقاد را به برخی از آثارم در تئاتر داشتند که چرا از بازیگران سینما استفاده کرده‌ام؟! فیلم‌نامه‌های زیادی برای تلویزیون و سینما نوشتم و تصمیم گرفتم این‌بار خودم فیلم بلندی را کارگردانی کنم و ساخت فیلم نیمه‌بلند و اتفاقاتی که در این فیلم افتاد، باعث شد که فکر کنم برای ساخت فیلم بلند آماده‌ام. واقعیت این است که از تجربه‌کردن هراسی ندارم. در تئاتر همیشه به سراغ سوژه‌هایی رفته‌ام که برایم چالش‌برانگیز باشند و سینما هم برایم چالش بزرگ‌تری است.



۴ فیلم‌نامه فیلم سینمایی از الان مشخص است یا بازیگران و عواملی که قرار است با آنها کار کنید؟

در سینما همیشه به قصدگفتن اعتقاد دارم هرچند که در تئاتر خیلی این موضوع در آثارم پررنگ نشد اما به قصدگفتن معتقدم. من همان آدم هستم با همان طرز فکریایی که تا الان با آنها کار کرده‌ام. مدیوم برای من تغییر خواهد کرد و تلاشم را برای حضور در سینما و ساخت فیلم بلندم انجام می‌دهم و این نفس تلاش‌کردن است که اهمیت دارد و برای من تجربه بزرگی است. سینما برایم جدی است و از الان نمی‌توانم بگویم که چه پیش خواهد آمد. همان‌طور که گفتم، تئاتر خانه من است و هروقت بخوام، کار می‌کنم. من عاشق تئاتر هستم و دیوانه فیلم‌سازی. دو، سه طرح برای ساخت فیلم بلند در نظر گرفته شده است که در نهایت یکی از آنها انتخاب خواهد شد و فضای فیلم در فصل سرما روایت می‌شود و باید منظر فصل پاییز و زمستان بود. اما دوست دارم در اینجا به نکته‌ای هم اشاره کنم و آن این است که بسیاری مرا به ادامه راه در سینما تشویق کردند که یکی از آنها اصغر عبداللهی بود که نقش ویژه‌ای در تصمیم من داشت.

۴ اینکه گفته می‌شود شرایط برای اهالی تئاتر مثل سابق نیست و بسیاری سینما یا مدیوم تصویر را به تئاتر ترجیح می‌دهند، تا چه حد از نظر شما پذیرفتنی است؟

شاید شرایط تئاتر مثل سابق نباشد و کمی درهم‌ریختگی داشته باشد. اما واقعیت این است که کسی سینما یا تئاتر را به‌هم ترجیح نمی‌دهد. هرکدام از آنها جایگاه خودشان را دارند. بسته به چیزی که شما قصد دارید به مخاطب منتقل کنید، مدیوم را انتخاب می‌کنید و براساس آن می‌چنگید. هیچ‌وقت نمی‌شود از تئاتر به سینما فرار کرد یا برعکس. به نظر من این دو هنر بسیار به‌هم نزدیک است و دلیلی ندارد این‌طور فکر کنیم. شخصاً فکر می‌کنم براساس مدیومی که مخاطب مشخص می‌کند، ما می‌توانیم به این سمت حرکت کنیم و من پاره‌ای از دیدگاه‌های زیبایی‌شناسی‌ام را در سینما و پاره‌ای را در تئاتر یا پاره‌ای را در نقاشی یا عکاسی دنبال می‌کنم. به نظر آن‌رتیست باید ببیند با چه مدیومی می‌توانند جهان‌بینی و درونیتاش را بگویند و همان را انتخاب کنند.

بوم خاکستری

آثار «گنجینه» را روی سایت موزه ببینید

شرق: انتشار و نمایش آثار گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران در سایت موزه به نشانی www.tmoa.com آغاز شد. به گزارش روابط عمومی دفتر هنرهای تجسمی، برای نخستین‌بار آثار گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران در سایم موزه منتشر می‌شود که در مرحله نخست ۲۴ اثر خارجی گنجینه ازجمله آثاری از پابلو پیکاسو، مارک روتکو، فرانسیس بیکن، پل گوگن، آلبرتو جاکومتی، اندی وارهل، ویکتور وارازلی است. روی سایت موزه قرار گرفته است. نام هنرمند اثر، عنوان، اندازه و سال تولید اثر اطلاعاتی است که در کنار تصویر اثر برای علاقه‌مندان و بازدیدکنندگان در سایت قرار می‌گیرد. ازاین‌پس آثار گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران با توجه به تعداد و جذابیت آثار برای نمایش تدریجی آنها، به مرور در سایت موزه منتشر خواهد شد و به نمایش درمی‌آید.